



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار امیر قطر و هیات همراه:

توقع از جهان عرب ورود صریح به میدان عمل سیاسی در مقابل جنایات رژیم اشغالگر است

صفحه ۲

بورل پس از بازگشت مورا از تهران:

پنج‌ره مذاکرات هسته‌ای دوباره باز شده است

✓ دبیرکل حزب مردم‌سالاری با اشاره به سفر امیر قطر و آنریکه مورا به تهران: آقای رئیسی؛ آیا برجام احیا می‌شود یا همچنان باید شاهد کاهش ارزش پول ملی باشیم!؟

صفحات ۳ و ۲

نمایشگاه نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی تهران

با سخنان قالیباف افتتاح شد

آغاز نمایشگاهی که فقط در اسم بین‌المللی است

صفحه ۱۰



در گذشت شیخ خلیفه بن زاید

صفحه ۱۱

رئیس‌جمهور در بازدید از یکی از مراکز بزرگ توزیع مرغ:

هرگز اجازه نخواهم داد مردم از طرح عادلانه‌سازی یارانه‌ها آسیب ببینند!

صفحه ۲

جدیدترین وضعیت بازارهای روغن، لبنیات، مرغ و تخم‌مرغ

یارانه‌های جدید حریف گرانی‌ها می‌شود؟

صفحه ۵



واکنش‌ها به طرح حراج اشیاء تاریخی در مجلس حداقلی ادامه دارد

تلاش برای بازگشت به دوره قاجاریه!

صفحه ۲

سر مقاله

تحریم در کجای معادلات ذهنی رئیس مجلس است؟



حمیدرضا شاکوهی

شاید پس از حواشی اخیر درباره خرید سیسمونی برای نوه محمدباقر قالیباف و رسوایی سیسمونی گیت، رئیس مجلس شورای اسلامی بدترین انتخاب برای سخنرانی در مراسم افتتاحیه بیست و ششمین نمایشگاه نفت تهران بود. اما قالیباف روز جمعه به نمایشگاه نفت رفت و درباره گاز سخنرانی کرد و البته نشان داد درباره مشکلات صنعت گاز کشور اطلاعات چندانی ندارد.

قالیباف با اشاره به اینکه فروش نفت ایران شامل تحریم شد، اما گاز دارای چنین محدودیتی نبود و گاز کشور در زمان تحریم به ترکیه و عراق رفت، گفت: «عداد و ارقام اینگونه نشان می‌دهد که ما در مجموع دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان هستیم و هم‌اکنون فرصت جهاد تصمیم‌گیری است. تجارت انرژی کشور هم‌کنون مبتنی بر نفت خام است و نه گاز، گاز طبیعی به دلایل مختلف از جمله دور زدن تحریم بسیار مهم است، بنابراین باید جهت‌گیری تغییر کند و این سوخت پاک مینای تجارت قرار گیرد.»

اما به نظر می‌رسد اطلاعاتی که به رئیس مجلس یا نویسنده سخنرانی او داده‌اند، اطلاعات کاملی نبوده است. این که گاز ایران در شرایط تحریم به ترکیه و عراق رفت، فقط بیان نیمی از واقعیت است. طبیعی است که صادرات گاز از طریق خط لوله قابل مقایسه با صادرات نفت نباشد چراکه می‌توان جلوی صادرات نفت را گرفت اما تا وقتی که جایگزین مطمئنی برای گاز پیدا نشود، نمی‌توان گاز را مشمول تحریم کرد. آق‌سای قالیباف فراموش نکند که عراق با دریافت معاویت تحریمی از آمریکا همچنان می‌تواند از ایران گاز خریداری کند اما دو نکته دیگر هم هست که یا آقای قالیباف از آنها خبر ندارد یا اگر دارد، طور دیگری نشان می‌دهد.

نخستین نکته این که عراق مدت‌هاست به دنبال جایگزینی برای گاز ایران است، چرا که اولاً به دلیل همان تحریم، به سختی می‌تواند پول گاز ایران را پرداخت کند و ثانیاً به دلیل کاهش صادرات گاز ایران به عراق، از تابستان سال گذشته دچار مشکلات فراوانی شده است. چرا؟ چون مصرف داخلی گاز در کشور ما به شدت رشد کرده و همین امر صادرات گاز به عراق را از تابستان گذشته به شدت کاهش داده است. مهمترین نیاز عراق به گاز، تأمین سوخت نیروگاه‌های برقی است که در تابستان، به دلیل

یادداشت



اشکان زارعی

شاهنامه هست بی‌اغراق قرآن عجم رتبه دانای طوس رتبه پیغمبری

(ملک الشعرائی بهار)

ابن‌اثیر خردادنگار سده ششم هجری در کتاب، المثل‌السنائر فی ادب‌الکاتب و الشاعر، ازشاهنامه فردوسی با نام «قرآن عجم» یاد می‌کند. این نگرش سنتایش‌آمیز نشان می‌دهد که شاهنامه را باید فراتر از یک آفرینش ادبی نگریست. از این‌رو فردوسی را همواره زنده کننده زبان فارسی و نگاهبان شناسه (هویت) ملی ایرانیان دانسته‌اند. چنان‌که در دهه ۳۰ خورشیدی حسین هیکل نویسنده مصری در پاسخ به این پرسش که چگونه مصریان قبلی‌نژاد با آن پیشینه درخشان فرهنگی، عرب زبان شدند؟! می‌گوید: برای این‌که ما فردوسی نداشتیم.

به راستی سرشت تمدن ایرانی دارای چه ویژگی است که دیگران در درازنای تاریخ از آن بی‌بهره بوده، به آسانی در برابر بیگانگان درهم شکسته و از هم پاشیده‌اند؟ چنان‌که همه مردمان کهن از شامات تا رود نیل از زبان و فرهنگی شکوهمند برخوردار بودند اما افزون بر اسلام، عربیت را نیز به آسانی پذیرفتند. حال آن‌که ایرانیان نه تنها شناسه‌ملی خویش را پاسداری نمودند که در برابر رویکرد نژادپرستانه بسیاری از خلفا چنان‌ه‌ایستادگی کرده، جایگاهی شگرف و بی‌همتا در پدیداری وباندگی تمدن اسلامی و عربی به دوش کشیدند.

در این زمینه سخن ابن‌خلدون نویسنده عرب‌زبان سده ۸ هجری بهترین گواه است: «دارندگان علم در اسلام غالباً ایرانیان هستند، تنها آنها به کار حفظ دانش و نوشتن کتاب‌های منسجم علمی می‌پرداختند، اگر دانش در بالاترین نقاط آسمان اوخته باشد، ایرانیان به آن دست خواهند یافت.»

اکنون باید پرسید، شونند (دلیل) ماندگاری شناسه ملی ایرانیان را باید در چامه‌هایی که فردوسی پیرامون آیین‌ها، استوره‌ها و بخشی از تاریخ ایران به زبان فارسی سرود جستجو کرد؟ یا آن که وی به جستارهای بنیادی‌تری پرداخت تا بدین‌گونه خودباوری را به هازمان (جامعه) ایرانی سده ۴ هجری بازگرداند، از یک‌سو به آنان بگوید شما همواره دارای اندیشه و بینش بوده‌اید و از سوا دیگر به انیرانیانی که به نام دین به خان رومان این سرزمین تاخته، مردمانش را تنگ و موالی خواندند این پیشینه درخشان را یادآوری کند.

بی‌گمان آن‌چه شناسه ملی ایرانی را از دیگر تمدن‌های باستانی ممتاز می‌سازد، جهان‌بینی نهفته در آن است که بر سه ستون خدانشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی با بهره‌گیری از خرد و داد استوار بوده و فردوسی هوشمندانه آنها را در شاهنامه بازگو کرده است.

خدانشناسی

به گواه تاریخ؛ ایرانیان باستان نخستین مردمان

به خجستگی ۲۵ اردیبهشت روز فردوسی

شاهنامه، فراتر از یک آفرینش ادبی

خداپرست جهان به شمار می‌آیند. آنان آفریننده گیتی را «هورامزدا» به چم (معنای) «بزرگ‌ترین دانسای هستی بخش» می‌خواندند. ازاین‌رو پادشاهان نیز فرمان‌های خود را با همین نام آغاز می‌کردند. ایرانیان خداوند را دارای هفت فروزه جاودانه همچون بهمن (اندیشه نیک)، اردیبهشت (بهترین راستی)، شهرپور (شهرباری اهورایی) و... به نام امشاسپندان می‌دانستند.

هم‌چنین در گاه‌شماری پیش از اسلام، برای خجستگی و شگون، نخستین روز هر ماه را هرمز یا اورمزد، نام‌گذاری کرده، در همه آیین‌های خود به پرستش و سپاسمندی خداوند می‌پرداختند. چنان‌که در ماه دی یا دذو که به چم «فریدن و آفریدگار» است سه جشن دی باذر، دی‌بمهر و دی‌بدین در نکوداشت خداوند برگزار می‌گردید. شگفت‌آورتر آن‌که واژه جشن که در فرهنگ‌های دیگر بازتاب دهنده شرور، و خوشگذرانی است اما در ادبیات پارسی به چم ستایش و نیایش است. از این رو فردوسی با نگاهی تیزبینانه نگرش خداپرستانه ایرانی را با به کار بردن واژه‌های چون: یزدان، کیهان خدیو، دادار، جهان آفرین، اورمزد، دادگر، داور، جهاندار پروردگار، کردگار جهان و ایزد یادآوری می‌کند. چنان‌که وقتی رستم، اکوان دیو را شکست می‌دهد از خداوند سپاسگزاری می‌کند:

ستایش گرفت آفریننده را رهانیده از بدش هر بنده را بر آسود و بگشاد بند میان بر چشمه بنهاد ببر بیان منوچهر هنگام چیرگی بر تور و کشتن او دست به نیایش خداوند می‌برد: نخست از جهان آفرین کرد یاد خداوند خوبی و پاکی و داد سپاس از جهاندار فریاد رس نگیرد به سختی جز او دست کنس بهرام گور پادشاه ساسانی این گونه ایرانیان را به خاقان چین می‌شناساند:

همه یکدلاند، یزدان شناس به نیکی ندارند از کس هراس افزون بر چامه‌های پیش گفته نمونه‌های دیگری از خدگرایایی ایرانیان در بخش گوناگون شاهنامه بارها آمده است: که اوست برتر ز هر برتری توانا و داننده از هر دری به فرمان او گردد این آسمان که او برترست از مکان و زمان

هستی‌شناسی

در اندیشه دینی ایرانیان باستان، آفرینش هستی که به آن گاهنبار و گهنبار می‌گفتند در شش گاهان یا زمان انجام گرفته، خداوند آسمان، آب، زمین، گیاهان، جانوران و انسان را یکی پس از دیگری آفریده است. به همین شوند (دلیل) مردم ایران چرخه شش‌گانه گهنبار را که هریک ویژه یکی از داده‌های خداوندی بود را با نام‌های «میدپوزر گاه»، «میدپوشهم گاه»،

پذیرنده هوش و رای و خرد مر او را دد و دام فرمان برد ز راه خرد بنگری اندکی مگر مردم به معنی چه باشد یکی جز این را نشانی نداند همی از این رو در سراسر شاهنامه، فردوسی سنجش انسان‌های خوب را همواره پیروی از خرد و دادگری می‌داند. فریدون شاه یکی از آن‌ها است که فردوسی از زبان او ویژگی انسان خوب را این‌گونه بازگو می‌کند.

ازیرا که پرورده پادشا نباشد که باشد مگر پارسا سخنگوی و روشندل و پاک‌بین به کاری که پیش آیدش پیش‌بین زبان راستی را بیاراسته

داستان فریدون و پسرانش سلم، تور و ایرج یکی از نمونه‌های انسان‌شناسانه جهان‌بینی ایرانی است که فردوسی به زیبایی مرز میان خردمندی و ناخردی در رفتار سه برادر را نشان داده که چگونه رو در روی یکدیگر می‌ایستند. داستانی که ویلیام شکسپیر با برداشتی از آن نمایشنامه شاه لیر یا لیرشاه (King Lear) را نوشته و اکیرا کوروساوا نیز فیلم آشوب را بر پایه آن ساخته است. بنابراین آن‌چه گفته شد نام‌گذاری شاهنامه را با فرنام (لقب) قرآن عجم از سوی ابن‌اثیر سخی پربیراه نبوده است.

زیرا فردوسی با ژرف‌بینی بی‌مانندی به بازآفرینی جهان‌بینی ایرانی در سه بخش استوره‌ای، پهلوانی و تاریخی به زبان فارسی پرداخت تا گنجینه‌ای از ایرانیت را برای همه روزگاران به یادگار گذاشته، ملت بودن ما را نشان دهد. چنان‌که ژاله آموزگار وی را «آرشی» می‌داند که همه هستی و جان و روانش را در سرودن کنایش نهاد تا فرهنگ ایرانی زنده بماند.

فردوسی را باید زبان گوینای رودکی، دقیقی توسی، یعقوب‌لیث، مازیار، بابک خرم‌دین، ابومسلم برتلس، خاورشناس روس در این باره چنین گفته است: «مادام که در جهان مفهوم ایرانی وجود خواهد داشت، نام پرافتخار شاعر بزرگ هم که تمام عشق سوزان قلب خود را به وطن خویش وقف کرده بسود، جاوید خواهد ماند. فردوسی شاهنامه را با خون دل نوشت، و به این قیمت، خردبار محبت و احترام ملت ایران به خود شد.» بی‌گمان ۲۵ اردیبهشت افزون بر نکوداشت فردوسی، پاسداشت ملت بودن ایرانیان و بزرگداشت اندیشه ایران‌شهری است که همانا برآمده از خدانشناسی، دین‌باوری، خردگرایی و دادگستری ایرانیان است.